

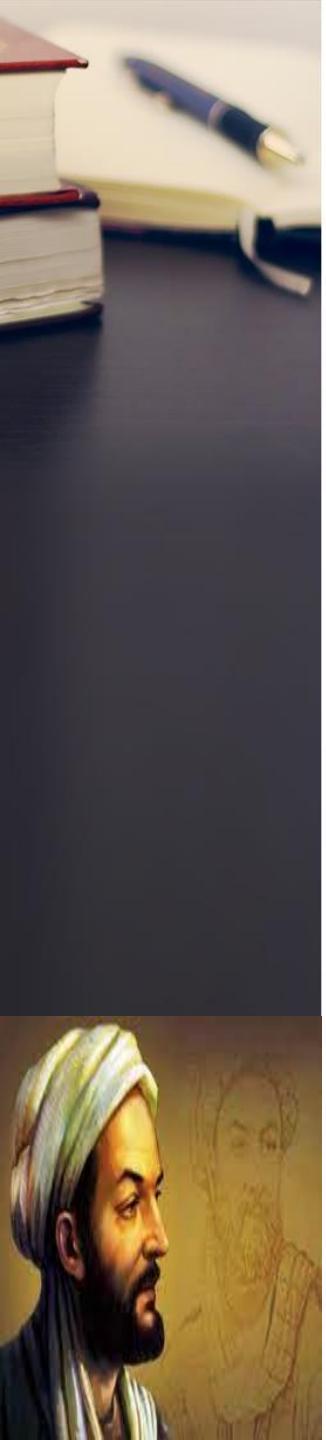


به نام آنکه یادش  
آرام دلهاست



# چشم اندازی به کتاب پنجم قانون

دکتر شیرین فهیمی  
متخصص داروسازی سنتی  
عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی آزاد تهران



# الكتاب الخامس الأدوية المركبة و هو الأقرباباذين

سفرصل های کلی کتاب پنجم:

✓ المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة

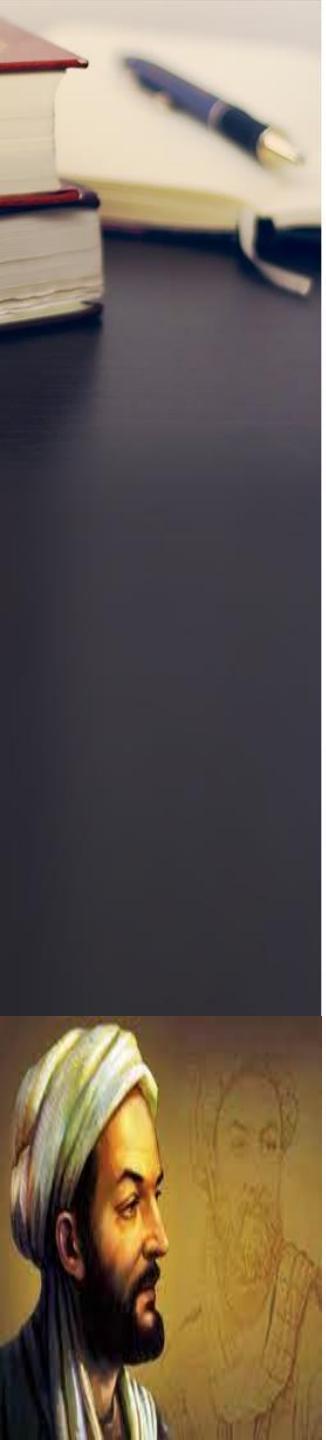
✓ فصل في كيفية الترکیب

✓ الجملة الأولى في المركبات الراتبة في القراباذینات تشمل على إثنى عشر

مقالة

✓ الجملة الثانية من الأقرباباذین في الأدوية التجربة في مرض مرض





# المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة

## (ذكر دلائل نياز به داروى تركى)

### ١- عدم كفايت دارو براي بيماري

إنه قد لا نجد في كل علة خصوصاً المركبة دواء مماثلاً لها من المفردات، ولو وجدنا لما آثرنا عليه، بل ربما لم نجد مركباً تقابل به مركباً أو نجده إلا أنا نحتاج إلى قوة زائدة في أحد بسيطيه، فنحتاج إلى أن نضيف إليه بسيطاً يقوى قوته كالبابونج، فإن فيه قوة تحليل أكثر و قوة قبض أقل، فتشتد قوة القبض بدواء بسيط قابض تضييفه إليه

✓ داروى مفرده مورد نظر براى درمان بيماري بويره بيماري مركب يافت نشود

✓ داروى مورد نظر براى مقابله با بيماري مركب يافت مى شود ولی نياز به تقويت يکى از قواى آن وجود دارد



# المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة

## (ذكر دلائل نياز به داروى تركى)

### ٢- تعديل كيفيت دارو

و ربما وجدنا دواء مفرداً مسخناً، ولكن حاجتنا ماسة إلى سخونة أقل منها، فنحتاج أن نضيف إليه مبرداً أو أكثر منها، فنحتاج أن نضيف إليه مسخناً آخر،

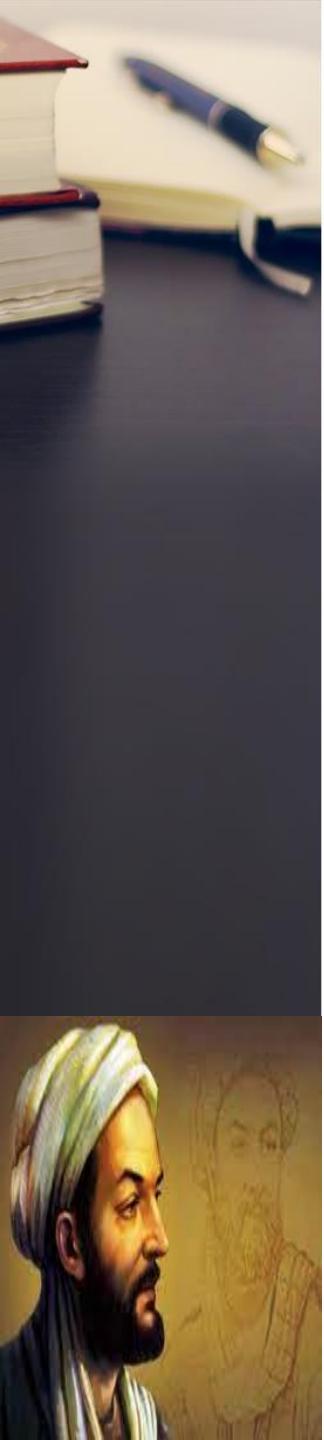
داروى مفرده موثر مسخن است ولی نياز شدید ما به گرم کندگی  
کمتر از داروى مورد نظر است پس باید یک داروى مبرد به آن  
اضافه نمود یا اگر نياز به گرم کندگی بیشتر باشد باید به آن یک  
داروى مسخن دیگر افزود

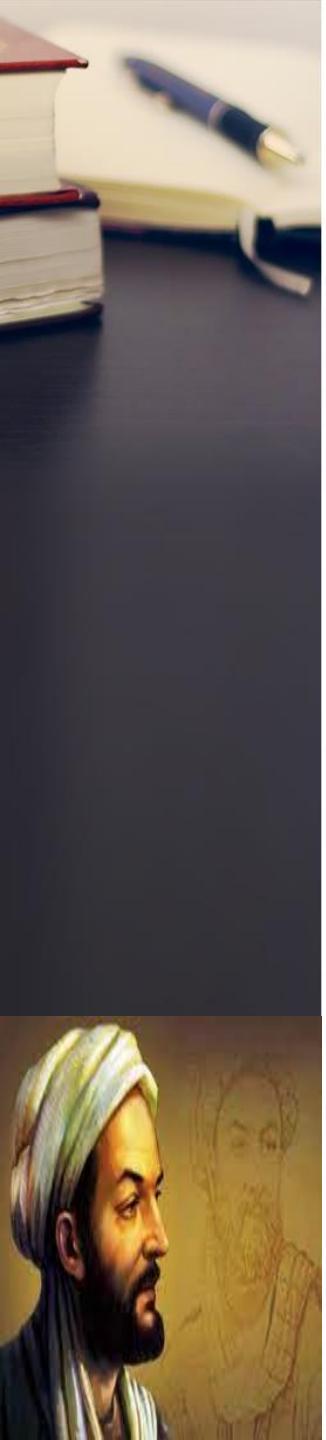
# المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة (ذكر دلائل نياز به داروی ترکیبی)

## ٣- رسیدن به کیفیت مطلوب

و ریا نحتاج إلى دواء یسخن أربعة أجزاء، و لم نجد إلا ما یسخن ثلاثة أجزاء، و آخر یسخن خمسة أجزاء، فنجمع بينهما راجین أن یحصل من الجملة مسخن لأربعة أجزاء.

برای درمان یک بیماری به ۴ جزء حرارت نیاز است ولی داروی مطلوبی وجود دارد که حرارت آن ۳ جزء است و داروی دیگری هم وجود دارد که ۵ جزء حرارت دارد پس با ترکیب این دو مفرده امید می رود که در نهایت حرارت داروی مرکبہ به درجه ۴ برسد





# المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة

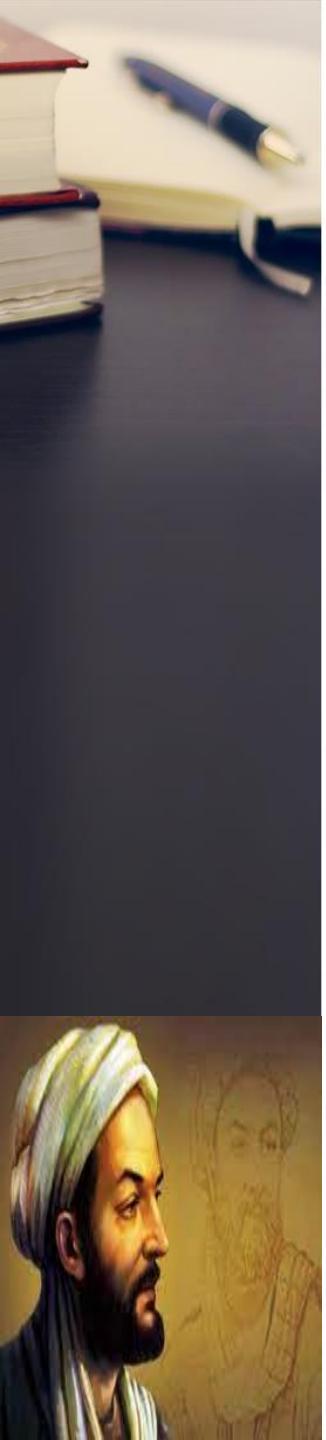
## (ذكر دلائل نياز به داروى تركى)

### ٤- اصلاح ضرر دارو

و ربما كان الدواء الذي نريده بالغًا فيها نريده، لكنه ضار في أمر آخر فنحتاج إلى أن نخلط به ما يكسر مضرته



داروى مفرده كاملاً مقصود را براورده می کند اما در امر دیگری  
مضر است و نيازمند داروئي است که اصلاح ضرر کند



# المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة

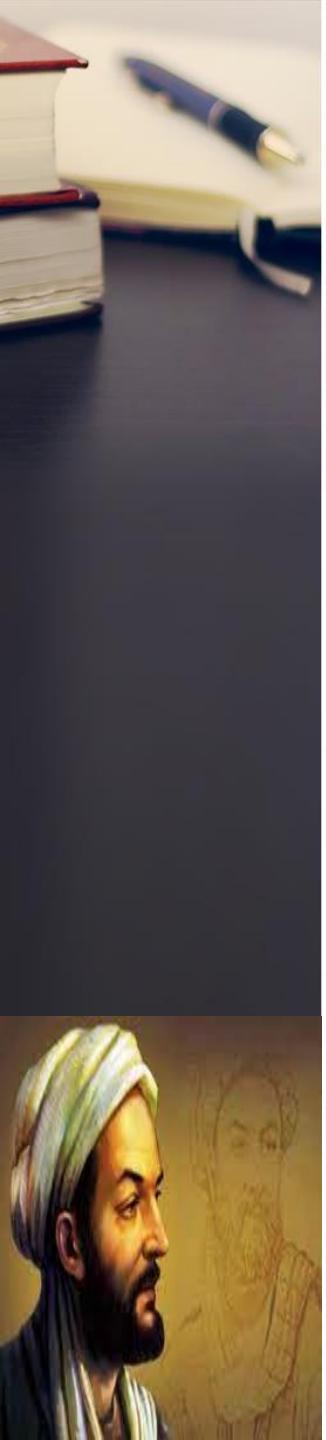
## (ذكر دلائل نياز به داروى تركى)

### ٥- اصلاح طعم بد دارو

و ریما كان بشعأ کریما عند الطبع تعافه المعدة فتقذفه، فتضییف إلیه ما یطییبه،

داروى مفردہ مقصود را براورده می کند اما مزه بسیار بدی دارد و  
معده آن را نمی پذیرد پس ناچار به افزودن داروئی هستیم که مزه  
اش را چنان خوش کند که طبیعت با آغوش باز آن را بپذیرد.





# المقاله العلميه في الحاجه إلى الأدويه المركبه

## (ذكر دلائل نياز به داروي تركيبي)

### ٦- جلوگيري از کاهش قوت دارو در مسیر رسيدن به عضو دور دست

و ريما كان الغرض فيه أن يفعل في موضع بعيد، فنخاف أن تكسر قوته الهضم الأول و الهضم الثاني، فنقرنه بحافظ غير منفعل يصرف عنه عادية الهضمين، حتى يبلغ العضو المقصود سالماً كما يوقع الأفيون في أدوية الترياق



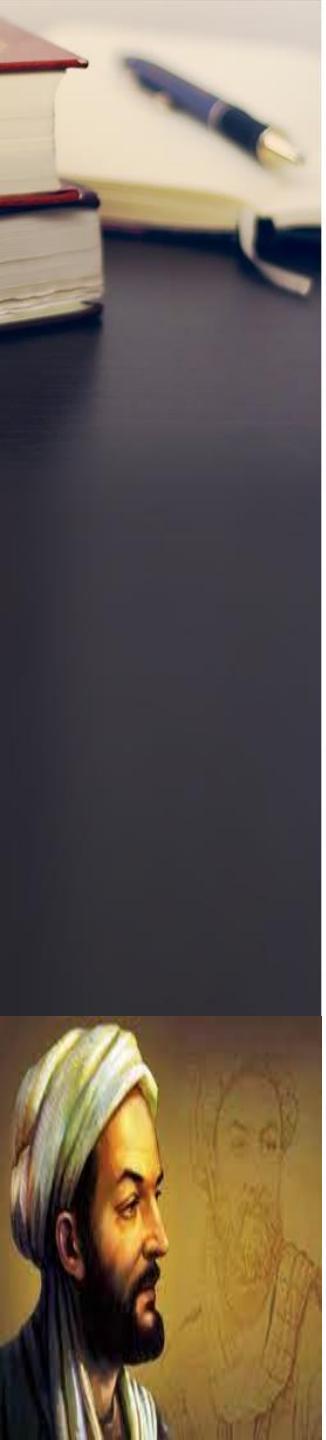
داروي مفرد را براورده مى کند اما باید در محل دور دست اثر کند و بیم آن می رود که هضم اول و دوم قوت آن را بشکند پس بنابراین ما آن را با یک حافظ غير تاثيرپذير همراه مى کنيم که از مسیر هضم های اولیه و ثانویه منحرف شود تا زمانی که به اندام مورد نظر برسد مانند وارد کردن افیون در داروهای ترياق

# المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة (ذكر دلائل نياز به داروى تركى)

## ٧- بدرقه دارو تا رسیدن به عضو مورد نظر

و ربما كان الغرض فيه البذرقة كما يلقى الزعفران في أقراص الكافور حتى يبلغها القلب، لكنها إذا بلغت القلب عمدت القوة الدمية بت分区 قوى التحليل والقبض، كان الدواء طبيعياً أو معمولاً فيسراح محلل إلى نفس العضو الألم، فيحلل المادة و الرادع إلى مجاري المادة، فيمنع المادة،

ممکن است هدف از ترکیب بدرقه باشد مانند قرار دادن زعفران در قرص های کافور تا آن ها را به قلب برساند لکن وقتی به قلب رسید قوای تحلیل و قبض جدا می گردد که در داروهای طبیعی و معمولی می توان یافت که داروی محلل به نفس عضو درد فرستاده می شود و ماده را تحلیل می کند و رادع به مجاري ماده می رود و منع ورود ماده می کند



# المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة

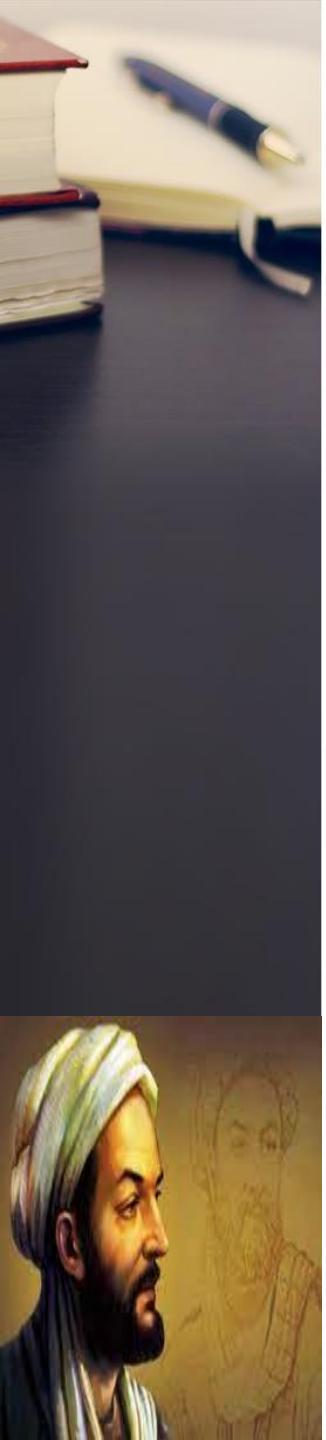
## (ذكر دلائل نياز به داروى تركى)

### ٨- كند کردن حرکت داروی سریع النفوذ

و ریما أردنا دواه یلبث فی مره قلیلاً، حتی یعمل هنالک عملاً فائقاً کثیراً، ثم یكون ذلك الدواه سریع النفوذ فنرکبه بمثبط مثل کثیر من الأدویة المفتحة، فإنها سریعة النفوذ عن الکبد.



گاهی لازم است دارو در رسیدن به محل اثر کمی تاخیر داشته باشد تا بتواند در مسیر کار ارزنده ای انجام دهد؛ برای داروی سریع النفوذ از داروهای کند کننده (تاخیر دهنده) استفاده می شود مانند اکثر داروهای مفتح که سریع النفوذ از کبد هستند



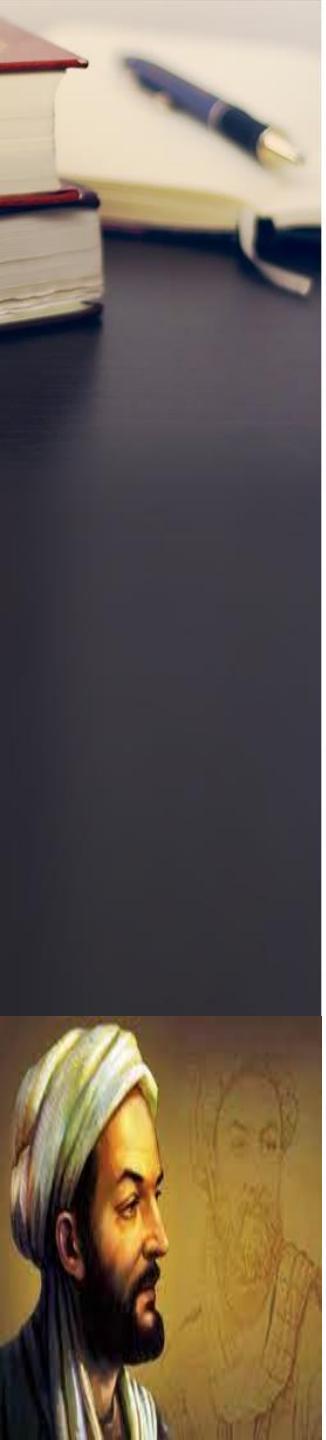
# المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة (ذكر دلائل نياز به داروى تركى)

## ٩- ماندگاری بیشتر در کبد

و ریما كانت الحاجة ماسة إلى لبث منها في الكبد، فنخلط بها أدوية جاذبة إلى ضد جحمة الكبد، كبزر الفجل الجاذب إلى فم المعدة، فيتخير الدواء قدر ما تصل منفعته إلى الكبد، ثم ينفذ.



شاید نیاز باشد که دارو مدتی درکبد بماند پس باید آن را با داروهایی که جاذب به سمت ضد جهت کبد می باشند مانند بزر ترب که جاذب به سمت معده است همراه کنند تا به اندازه ای که منفعت آن به کبد برسد از دارو برگزیند و سپس نفوذ کند



# المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة

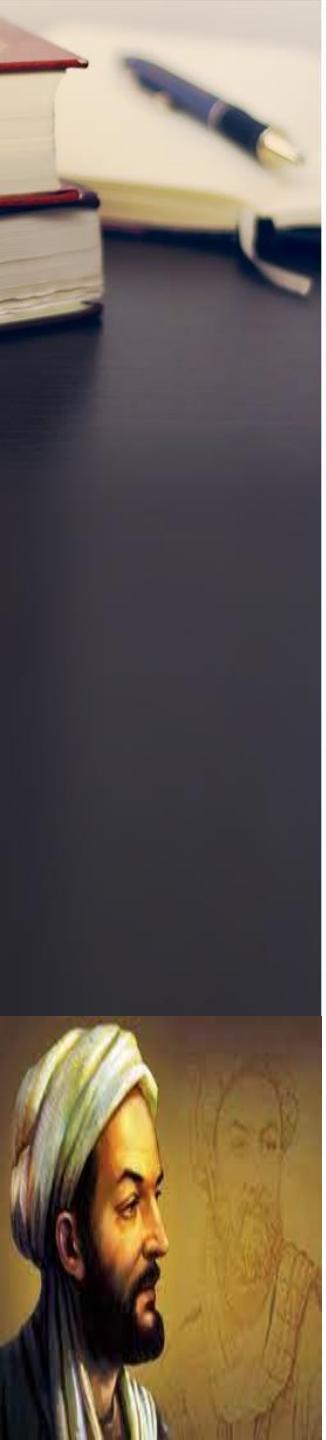
## (ذكر دلائل نياز به داروى تركى)

### ١٠- مشخص کردن مسیر دارویی که دو مسیر تأثیردارد

و ریما کان الدواء الذي نجده مشترکاً لطريقين، و غرضنا في طريق واحد، فنقرن به ما يحمله إلى ذلك، كما نجعل الذراريح في الأدوية المدرة المفتوحة ليصرفها عن جهة العروق إلى جهة الكل و المثانة.



گاهی داروی مورد نظر ما برای دو هدف موثر است ولی هدف ما تأثیر در یک مسیر است پس آن را با تركىبي که دارو را به هدف مورد نظر برساند همراه می کنیم مثلًا ذراريح را با داروهای مدر مفتح همراه می کنیم تا آن ها را از رفتن به سمت عروق باز داشته و در مسیر کلیه و مثانه قرار دهد.



# المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة

چند نکته مهم:

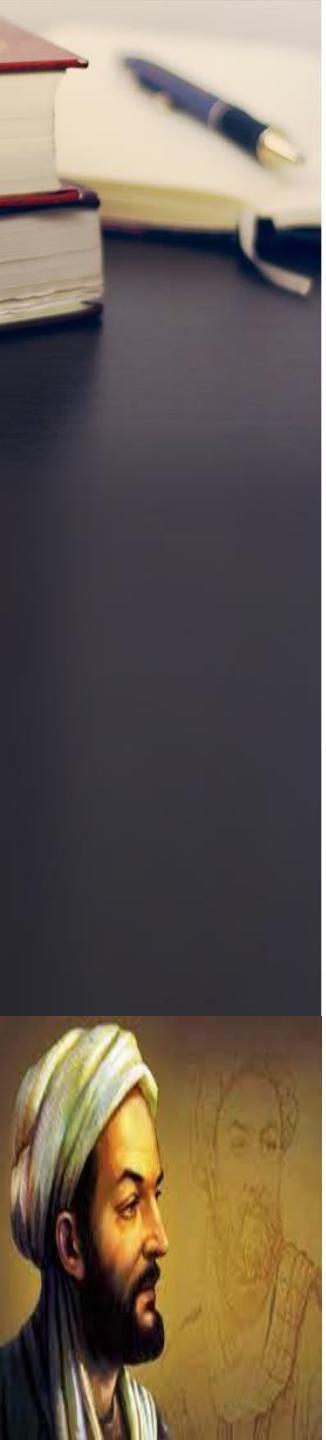
و اعلم أن الكثير من الأدوية معملاً و موقعاً، و ربما قصد به معمل أبعد من موقعه، فنحتاج إلى مطرق، و ربما قصد به معمل أقرب من موقعه، فيحتاج إلى مثبط.

برای اکثر داروها یک محل اثر و یک جایگاه وجود دارد؛

✓ هنگامیکه محل اثر از جایگاه دارو دورتر باشد، نیاز به یک همراهِ رساننده به محل اثر دارد

✓ چنانچه محل اثر نزدیک تر از جایگاه دارو باشد پس نیاز به یک همراهِ سست کننده (تنبل کننده) دارد





# المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة

چند نکته مهم:

و اعلم أن المُجرب خير من غير المُجرب، و القليل الأدوية خير من كثيرها في  
غرض واحد.

- ✓ مركبہ تجربہ شدہ بہتر از مركبہ تجربہ نشده است
- ✓ مركبہ قلیل الادویہ بہتر از مركبہ کثیر الادویہ است



# المقالة العلمية في الحاجة إلى الأدوية المركبة

## چند نکته مهم:

أما السبب في أن المجزب خير، فهو أن كل دواء مركب فله حكم من بسائطه، وحكم من جملة صورته، و غير المجزب إنما يفيد من اعتبار بسائطه فقط، و لا ندري ما يوجد به مزاجه الكائن عنها هل هو زائد في معناها أو غير زائد، و هو مناقض، و المجزب يكون قد تدقق منه الأمران و لربما كانت العائدة في صورته المزاجية أكثر من المتوقع من بسائطه.

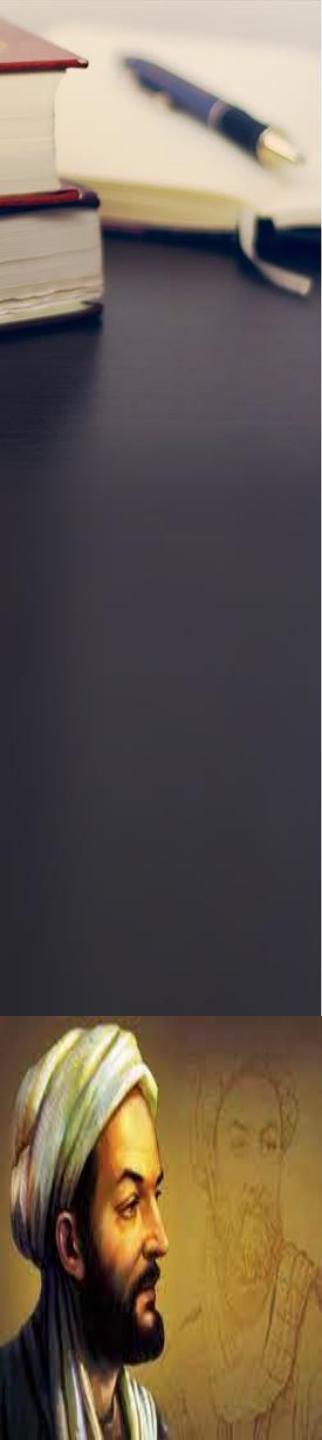
## دلیل ارجحیت مرکبہ تجربہ شده:

در مورد هر داروی مركب می توان به دو شکل حکم کرد:

- ✓ بر اساس داروهای مفرده اش
- ✓ بر اساس صورت و ظاهر دارو

در مورد داروی غیر مجريب فقط می توان از روی اعتبار مفرده ها قضاوت نمود و نميدانيم که آيا مزاج موجود در داروي تركيبی بيشتر یا كمتر از مزاج تک تک مفردات است و یا اينکه با هم در تضاد هستند

در صورتیکه در داروی مجریب این دو امر مورد بررسی قرار می گیرد و چه بسا آنچه در صورت مزاجی داروی تركيبی حاصل شده باشد بيشتر از آن چیزی باشد که از مفردات به تنهائی انتظار می رفت



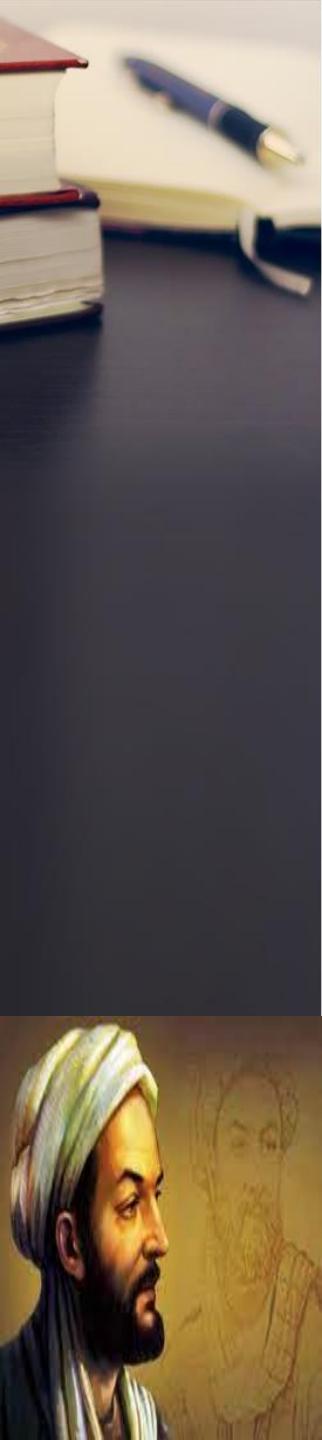
# فصل فی کیفیة الترکیب

اعلم أنه إذا عرض لك أربع حوايج، ولم تجد لها دواء في الطبع إلا المصنوع، مثل أن تحتاج إلى استفراغ السقمونيا و شحم الحنظل و الصبر و التربد، فتريد أن تجمع هذه ليكون ذلك دواء جاماً، فانظر فإن كانت الحاجة إليها وإلى أعمالها بالسوية، وهي أربعة أدوية، فخذ من كل واحد ربع شربة، و ركب وإن لم تكن الحاجة إليها بالسوية بل إلى بعضها أكثر، وإلى بعضها أقل فاحدس الحدس الصناعي، و قدر مبلغ الحاجة، و اجعل نسبة الحاجة إلى الحاجة قانوناً، فزد على تلك الشربة الجامعة مقدار بعض، و اقصى مقدار بعض على نسبة الحاجة، و ركب.

اگر ۴ حاجت به تو عرضه شد که چنین داروئی را در طبیعت نیافتنی مگر به شکل ساختنی، باید این ۴ نیاز با ۴ داروی گوناگون جمع کنی تا به یک داروی جامع بررسی مثل نیاز به پاکسازی با سقمونيا و شحم حنظل و صبر و تربد

✓ در این حالت اگر نیاز به به ۴ دارو و افعالشان بطور مساوی بود، از هر کدام یک چهارم شربت (دوز روزانه) بردار و ترکیب کن

✓ اگر نیاز به بعضی بیشتر از بقیه و بعضی کمتر بود، برای نسبت نیاز قانون بگذار و بر اساس میزان نیاز، نسبت دارو را در ترکیب تعیین کن



## فصل فی کیفیة الترکیب

و اعلم أن الدواء المركب المنجح كالتریاق له بحسب بسائطه آثار و قوى، و بحسب صورته التي إنما حمر مدة لينجذب المزاج إليها آثار و قوى، و ربما كانت أفضل من البساط فلا تلتفت إلى ما تقوله الأطباء أن التریاق ينفع من كذا لأجل السنبل، و ينفع من كذا لأجل مر، بل ينفع لذلك، و لكن العمدة صورته و قد جاءت بالاتفاق جليلة نافعة، و لا يمكننا أن نشير إليها و إلى مناسبتها لأفعالها إشارة جلية.

هر داروی مرکب موفقی مانند تریاق به واسطه مفرداتش یک سری آثار و قوا دارد و نیز به سبب صورت دارو ناشی از ایجاد مزاج (ثانوی) دارای یک سری آثار و قواست و چه بسا بهتر از داروهای مفرد به تنهاً باشد پس به این گفته پزشکان که می گویند منفعت تریاق ناشی از وجود سنبل یا مر است توجه نکن بلکه عمدہ اثر از صورت داروست که از اتفاق اجزا حاصل شده است و نمیتوان بوضوح به داروی مفرده خاص و مناسب افعالش اشاره نمود



# فصل فی کیفیة الترکیب

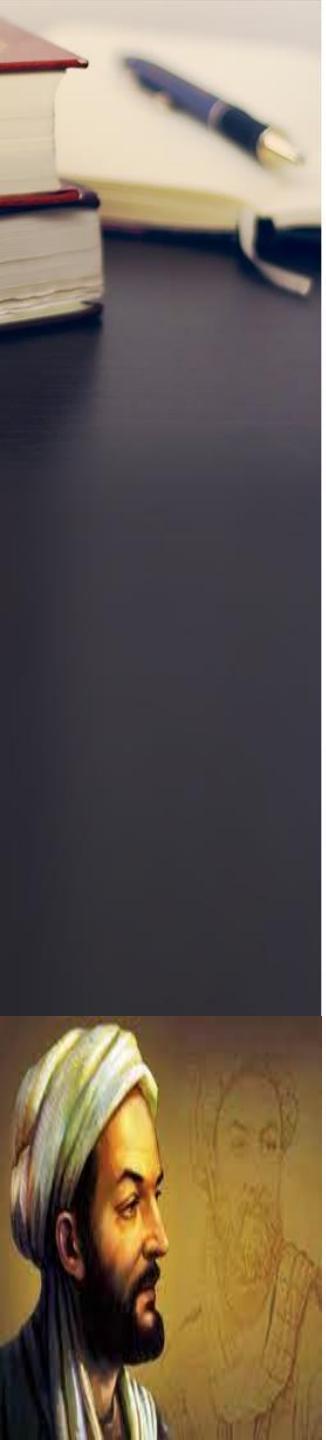
و اعلم أن في المركبات أدوية هي عمود و أصل، إذا حذفت بطلت القاعدة مثل لحم الأفاغي في التریاق و الصبر في آیارج فیقرا و الخربق في آیارج لوغاذیا، و أدوية تصلاح أن تسقط، و أن تبدل و أن يزداد فيها أو ينقص، و أدوية لو زيدت لأضررت فإنه لو وقع في التریاق البلاذر لأفسد الأدوية، و خصوصاً لحم الأفاغي، و أدوية لو زيدت لم تضر، كما أنك لو زدت في التریاق جوزبوا لم تكن أتيت بجريمة عظيمة.

- ✓ در هر داروی ترکیبی یک داروئی است که **اصل** و **عمود** مرکبه است و چنانچه حذف گردد قاعده و شیرازه دارو از دست می رود مانند لحم الأفاغی در تریاق و صبر در آیارج فیقرا و خربق در معجون لوغاذیا
- ✓ داروهایی هم هستند که قابل حذف شدن، تغییر و اضافه و کم کردن هستند
- ✓ داروهایی هم هستند که اگر در مرکبه مقدارشان زیاد شود باعث ضرر می گردند مثلا اگر بلاذر در تریاق زیاد شود داروها خصوصاً لحم الأفاغی را فاسد می گرداند
- ✓ داروهایی هم هستند که اگر در مرکبه مقدارشان زیاد شود ضرری ایجاد نمی کنند مانند جوزبوا در تریاق

# فصل فی کیفیة الترکیب

و اعلم أنَّ كثيراً من الترکیب يؤدی إلى المفاسد، و كثيراً من الترکیب يؤدی إلى مزية أثر و فعل، و أنَّ كثيراً من الترکیب يكون عن مفردات و مرکبة كالتریاق عن أفراده و عن الأقراص الثلاثة، فإنَّ لکلٍ قرص بسبب المزاج خاصية لا توجد في المفردات، و ربما كان الدواء مرکماً من مرکبات.

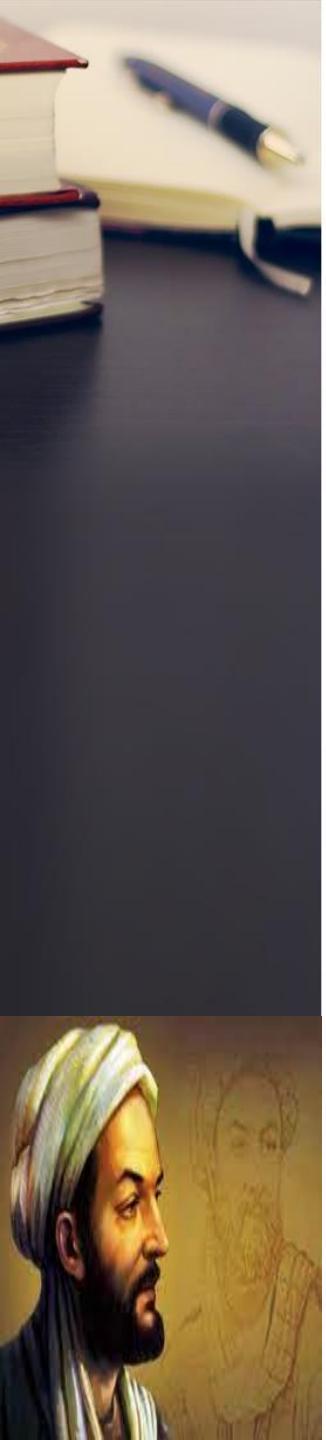
- ✓ بسیاری از ترکیب ها به فساد می رسد
- ✓ بسیاری نیز اثر و فعل شان بیشتر می گردد
- ✓ بسیاری از ترکیب ها هستند که از مفردات و مرکبات تشکیل شده اند مانند تریاق که از مفردات و قرص های سه گانه تشکیل شده است که هر قرص مزاج خاصی دارد که در مفردات یافت نمی شود
- ✓ چه بسا داروئی باشد که تركیبی از مرکبات باشد.



# الجملة الأولى في المركبات الراتبة في القراباذينات تشتمل على إثني عشر مقالة

اشکال داروئی  
معرفی شده در  
کتاب پنجم قانون

- تربيقات و معاجین کبار ۹۸ فرمولاسیون
- ایار جات ۲۶ فرمولاسیون
- جوارشات مسهله و غیر مسهله ۵۹ فرمولاسیون
- سفوفات، قمایح، وجورات  
الصیبان ۲۱ فرمولاسیون
- لعوقات ۱۰ فرمولاسیون
- اشربه و ربوبات ۷۳ فرمولاسیون
- مربیات و انبجات ۱۸ فرمولاسیون
- قرص ها ۶۳ فرمولاسیون
- سلاقات و حبوب ۳۳ فرمولاسیون
- ادهان ۴۴ فرمولاسیون
- مراهم و ضمادات ۲۳ فرمولاسیون
- ذکر معاجین، جوارشات و داروهای  
ترکیبی که برای امراض مناسبند ۸۹ عنوان بیماری



# نحوه معرفی داروهای ترکیبی

## (مقاله اول تا یازدهم از جمله اول)

- ۱- بیان فواید و اثرات فرمولاسیون
- ۲- معرفی اجزاء فرمولاسیون و مقادیر هر یک (اخلاطه)
- ۳- ذکر نکات خاص در تهیه فرمولاسیون
- ۴- قدر شربت (دوز) دارو و نحوه مصرف
- ۵- ذکر فرمولاسیون های مشابه (نسخه اخیری)



# مقاله دوازدهم: ذکر معاجین، جوارشات و داروهای ترکیبی که برای امراض مناسبند

نمونه هائی از کتاب:

النسیان و الحفظ الدهن الأقردیا، جوارشن البلاذر، الشلیثا، فیها یقال سعوط أسطاطالیس، سفوف جوارشن العنبر، فیرزنوش، أیارح فیقرا.

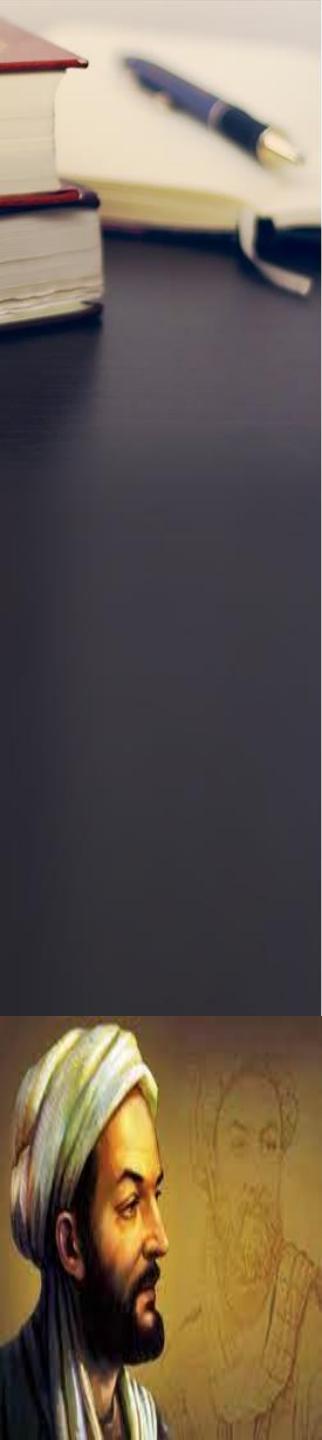
الربو و نفس الاتصاب لعوق العنصر، خلّ العنصر و سکنجینه، و للعسر و للضيق أقراص الخشاخش.

بلة المعدة أیارح فیقرا، حب هندي، أیارح هیوفقراتیس، الاطریفل، سفوف لعبادة.

صلابة المعدة دهن المصطكي.

للحشاء الحامض الکمونی، أقراص الكوكب الفلاملي.

الحصاة ترياق مثودیطوس، ترياق عزرة، أمیروسیا، دواء اللک، دواء الكبریت، حب في المیامر يخرج الرمل في البول، أقراص أسطوماخص.



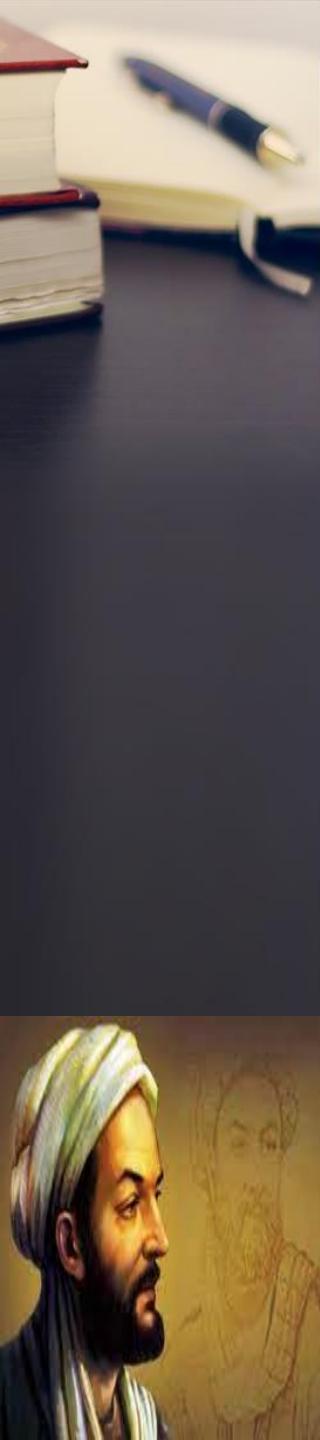
# الجملة الثانية من الأقراباذين في الأدوية المجرّبة في مرض مرض

## مقدمة:

هذه الجملة نورد فيها من الأدوية المركبة ما هو أخص بمرض مرض، بعد إن نعيد ذكر ما قيل في الجملة الأولى، ليكون لمن يقرأ هذا الكتاب إحاطة جميع المعالجات أو بالكثير منها جداً، و ذلك لأنه مثلاً إذا أراد حصر معالجات التجربة عمد إلى الكتاب الثاني، وهو كتاب الأدوية المفردة، فيعرف في ساعة واحدة حصر جميع الأدوية الجزئية في الجداول، ثم إذا انتقل إلى أبواب الكتاب الثالث و الرابع طلب باب التجربة، فحصر المعالجات المذكورة، ثم إذا انتقل إلى الأقرباذين حصر باقي المعالجات المركبة، فيكون له سبيل إلى حصر المعالجات الجزئية كلها أو جلّها،

بيان مراحل دستيابی به درمان یک بیماری از کتاب های مختلف قانون:

- ۱- رجوع به كتاب دوم و پیدا کردن مفردات موثر بر بیماری
- ۲- رجوع به کتاب های سوم و چهارم و دستیابی به داروها و نسخه های ذکر شده
- ۳- رجوع به كتاب پنجم جهت دستیابی به بقیه درمان های داروئی تركیبی



# الجملة الثانية من الأقراباذين في الأدوية المجرّبة في مرض مرض

تقسيم بندی جمله دوم به ۸ مقاله:

مقاله اول: احوال سر و هر چه متعلق به آن است ← ۱۷ نسخه

مقاله دوم: بیماری های چشم ← ۶۳ نسخه

مقاله سوم: بیماری های گوش ← ۱۳ نسخه

مقاله چهارم: احوال دندان و هرچه متعلق به آن است ← ۱۰ نسخه

مقاله پنجم: دهان، گلو و حفره فوقانی ← ۲۹ نسخه

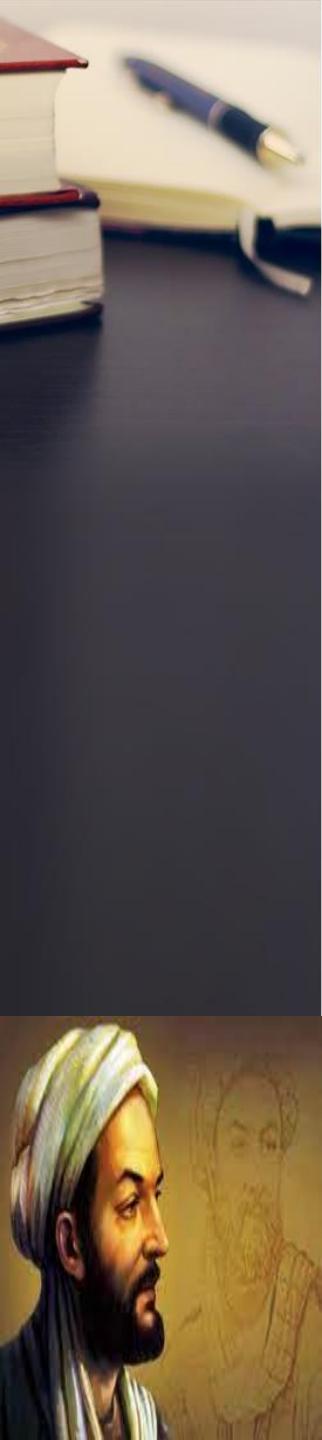
مقاله ششم: در احوال حفره تحتانی ← ۵۲ نسخه

مقاله هفتم: درد مفاصل، نقرس و عرق النساء ← ۹ نسخه

مقاله هشتم: داء الثعلب ← ۱ نسخه

مقاله نهم: شرح پیمانه و اوزان نقل از یادداشت های طبی ساهر

مقاله دهم: ذکر اوزان و پیمانه ها از یادداشت های طبی یوحنا پسر سرافیون



تمام علوم گذشته و سنت ماید تقدیم شوند. در صورتی که از دم تیر تقدیم سلامت خارج شد  
 آن وقت قابل پذیرش است.

ابن سینا



با تشکر از توجه شما

# أياج فيقرا

أياج فيقرا أي المر هذا هو أياج **الصبر**، وقد قرن به **الدارصيني** للطافته و منفعته للأحشاء والمعدة وال**المصطكي** لذلك، و ليحفظ قوتها. وكذلك **السليخة** و **الزعفران** للإنضاج و تقوية القلب و المعدة، و ر بما أورث الزعفران فيها صداعاً فيحتاج أن يقلل وزنه أو يحذف، و **الأسارون** له معونة على الإسهال و حدر الرطوبات، و ر بما جعل **بدله الكباة** و هو لطيف، و **حب البلسان** و **عود البلسان** لتقوية المعدة و التحليل، و الفادزهرية.

و من الناس من يجعل فيه **فقّاح الإذخر**، فيمنع السحج المتوقع من الصبر، أو **الورد** لدفع نكأة حرارة الصبر عن المعدة و الرأس، و قد يكون مخمراً بالعسل مثلية، و قد يكون يابساً غير مخمر.

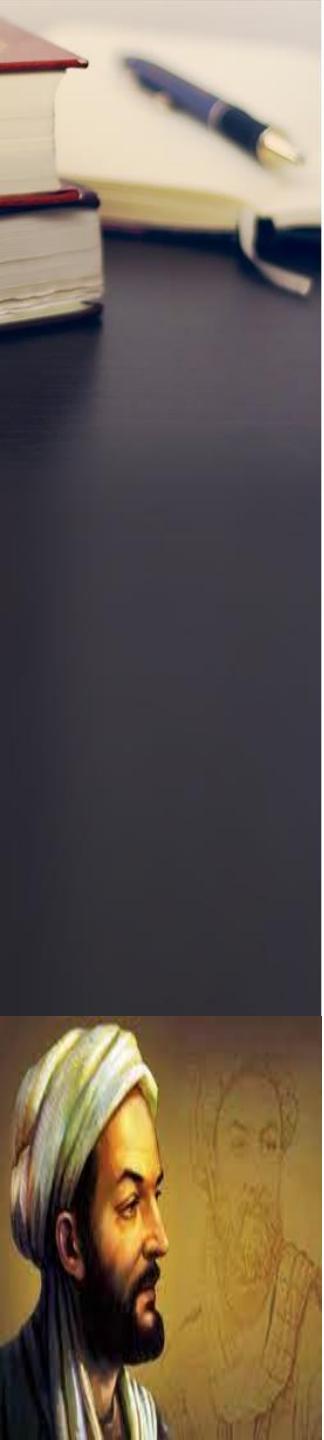
و أما أنا فأقرّص مسحوقه بماء المقل أقراصاً أجفتها في الظل، و أستعملها فأجد ذلك أبلغ من غيره، و لعل المقل يكون قريباً من جزء و كان القدماء يختلفون في مقدار إصلاح الصبر...

و في جوامع الاسكندرانيين و صحيح من الفص لفظ جوامع المقالة السادسة من تدبير الأصحاء في ذلك، و أياج فيقرا يتخذ على ثلاثة ضروب.

أحدها: أن يلقى على مائة مثقال من الصبر ستة مثاقيل من كل واحد من سائر الأدوية.  
و الآخر: أن يلقى على تسعين مثقالاً من الصبر ستة مثاقيل من كل واحد من سائر الأدوية.  
و الثالث: أن يلقى على ثمانين مثقالاً من الصبر ستة مثاقيل من كل واحد من الأدوية، و يزيدون و ينقصون...



# جوارش كمونى



## فرمولاسيون ١:

**الجوارشن الكموني** هو نافع من أوجاع الأحشاء التي تولدها البرودة و من غلبة البلغم للمساين، و يقوى المعدة، و يهضم الطعام، و يزيل الشهوة الكلبية و الجشاء الحامض، الشريبة مقدار عفصة بماء حار. و ينفع أيضاً من الحميات الباردة السوداوية و البلغمية.

أخلاطه: يؤخذ كمون كرمانى منقوع بخل خمر يوماً و ليلة مجفف مقلى، و ورق السذاب المجفف في الظل، و فلفل، و زنجبيل من كل واحد خمسة أساير، بورق أرمني وزن عشرة دراهم، تجمع هذه الأدوية مسحوقه منخولة، و تعجن بعسل متزوع الرغوة و ترفع في إناء و تستعمل.

## فرمولاسيون ٢:

**الجوارشن الكموني لجالينوس** ينفع من الرياح الباردة و التخم، و يحلل الرياح، و ينفع من لا يهضم الطعام.

أخلاطه: يؤخذ بورق نصف جزء، كمون كرمانى منقوع بخل مقلى و فلفل أبيض و أسود و دارفلفل من كل واحد جزء، و هذا يعمل على نسختين، فربما عمل من أجزاء متساوية في جميع أخلاطه، أعني الكمون و الفلفل و السذاب و البورق، و هذا الفن يحل الطبيعة جداً.

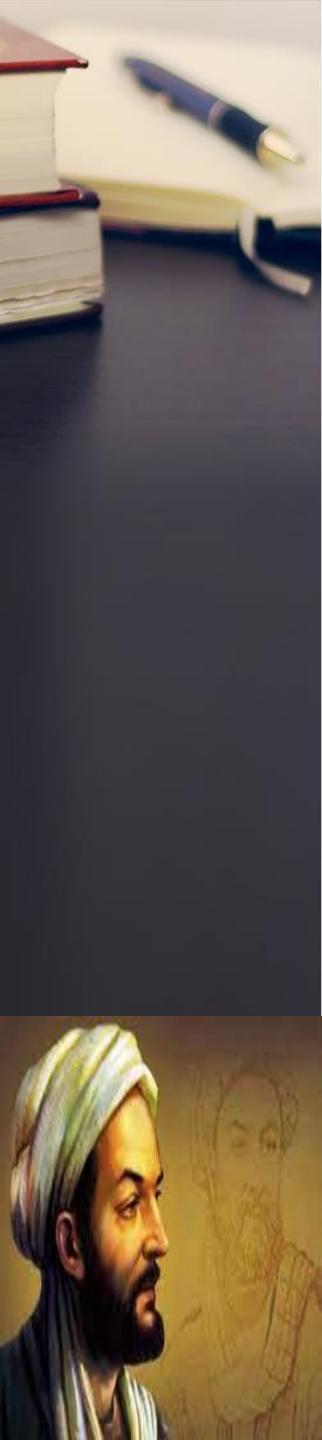


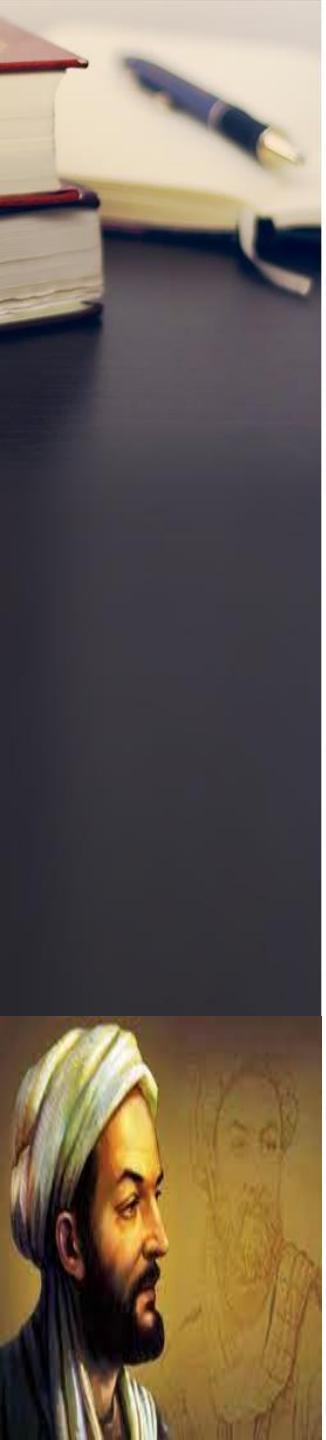
# جوارش كمونى

نکات مهم در فرمولاسیون جوارش:

و هذا دواء يؤخذ مفرداً قبل الغذاء و بعد الغذاء، و الذي يخلط بالعسل المزروع الرغوة فأوفق في هذه الحالة، و ذلك أنه يذهب بالفخ أصلاً و ينبغي أيضاً أن يكون العسل **جيداً**، إذا احتجت أن يكون هذا الدواء قوياً في حلّ الرياح و يستفرغ بقوه.

و يجب أن تعلم أيضاً أنك إذا أردت أن يكون استفراغه أكثر، فيجب أن يكون دق **الأدوية جريشاً**، و ذلك أنني عرفت أن رجلاً سحق هذا الدواء سحقاً بليغاً لأنه لم يكن يعرف ما ذكرت، فلم يحل الطبيعة بتة بل أدر بقوه و جاءنا و هو متعجب يبحث عن السبب في ذلك، و ذلك أنه ظن أن لجسد ذلك الرجل خاصية هي السبب فيها عرض، فلما عرفناه أن السبب في ذلك هو حال تركيه ربكه ثانياً كما أمرته فتم عمله، فينبغي أن يحفظ هذا التحديد في تركيب **سائر الأدوية**.





## اقراص الخشخاش

اقراص الخشخاش النافعة من نزف الدم و السعال و الحمى و وجع الصدر.

أخلاطه: يؤخذ ورد و صمغ عريي من كل واحد وزن أربعة دراهم، نشاء و كثيرة من كل واحد درهان، خشخاش أبيض و أسود من كل واحد ثلاثة دراهم، طباشير وزن درهم، رب السوس وزن درهفين، زعفران وزن دانفين يدق و يجمع و يقرص

## دهن المصطكي

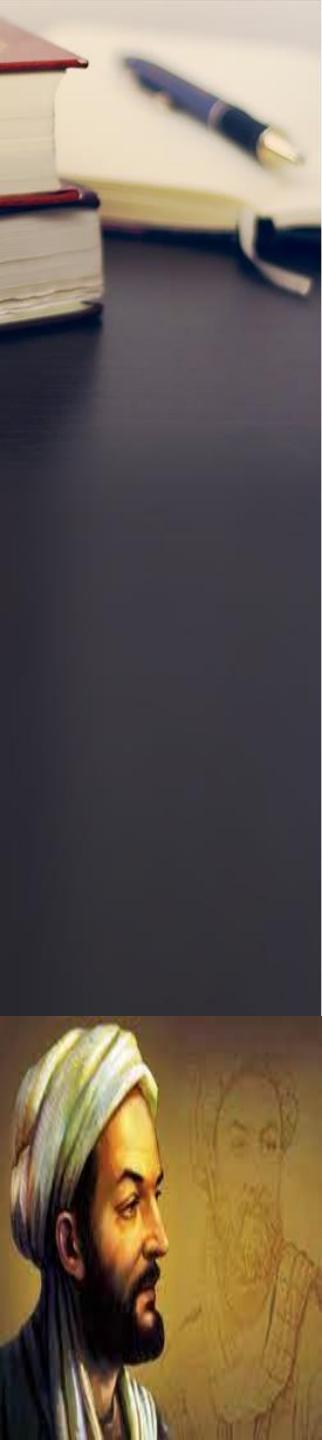
عمل دهن المصطكي يصلح لضعف المعدة و أورامها و يلين الصلابة.

أخلاطه: يؤخذ دهن حل قسطان، مصطكي ست أواق، تدق المصطكي و تلقى على الدهن في إناء مضاعف.



# معجون مثروديطوس

نسخة المثروديطوس للجمهور يؤخذ زعفران و مّر و غاريقون و زنجبيل و دارصيني و كثيرة من كل واحد عشرة دراهم. سنبل و كندر و ثالسيفس، و هو الحرف البابلي، و أذخر و عيدان البلسان، وأسطوخوثرس و سيساليوس، و قسط، و كمافيطوس، و قنة و ماست و هو علك البطم، و دارفلل، و عصارة لحية التيس، و جندبادستر، و مالايبثرين و هو الساذج الهندي، و ميعه و جاوشير من كل واحد ثانية دراهم. سليخة و فلفل أبيض، و فلفل أسود، و سورنجان جعدة، و سقورديون، و دوقوا، و إكليل الملك، و جنطيانا، و دهن البلسان، و حب البلسان، و أقراص، وقوفيون، و مقل من كل واحد سبعة دراهم. سذاب درهرين. أشق و سنبل روبي، و مصطكي، و صمع و فطراساليون، و قردمانا، و بزر الرازيانج من كل واحد خمسة دراهم. أنيسون، و وج، ومو، و سكبينج، و أسارون، من كل واحد ثلاثة دراهم، أفيون و ورد أحمر و دنقطاماين من كل واحد خمسة دراهم، فو، و أقاقيا، و سرة أستنقور، و بزر الهيوفاريقون، من كل واحد أربعة دراهم و نصف، شراب ريحاني عتيق و عسل متزوع الرغوة مقدار الكفاية ينفع ما يحتاج أن ينفع بالشراب، و يخلط بالعسل و يحفظ، و يستعمل بعد ستة أشهر الشربة كالبندة بما يصلح من الأشربة.



# معجون مثروديطوس

قوفيون المستعمل في المثروديطوس يؤخذ زريب منزوع العجم وزن أربعة دراهم، علك البطم وزن أربعة وعشرين درهماً، أذخر و مر من كل واحد إثنى عشر درهماً. دارصيني و مقل أزرق، وأظفار الطيب، و سنبل رومي، و سليخة، و إكليل الملك، و سعد، و حب الغار، و من كل واحد ثلاثة دراهم. قصب النزير وزن تسعة دراهم، زعفران درهم، قفر اليهود وزن درهفين و نصف، و هذه النسخة نسخة "سابور بن سهل"، و فيها زيادة قفر اليهود، و في نسخة "ابن سراييون" زيادة دارشيشعاعن درهفين و نصف، و في نسخة أخرى زيادة أسارون درهفين و نصف.



# جرب در كتاب دوم قانون

اللوح الرابع

الجراح و القرorch

• بنفسج

دهن البنفسج طلاء

جيّد لل**لجرب**

اللوح السابع

أعضاء العين

• بابونج

ينفع الرمد و التكدر و  
البثور و الحكة و  
**الوجع و الجرب**

ضماداً

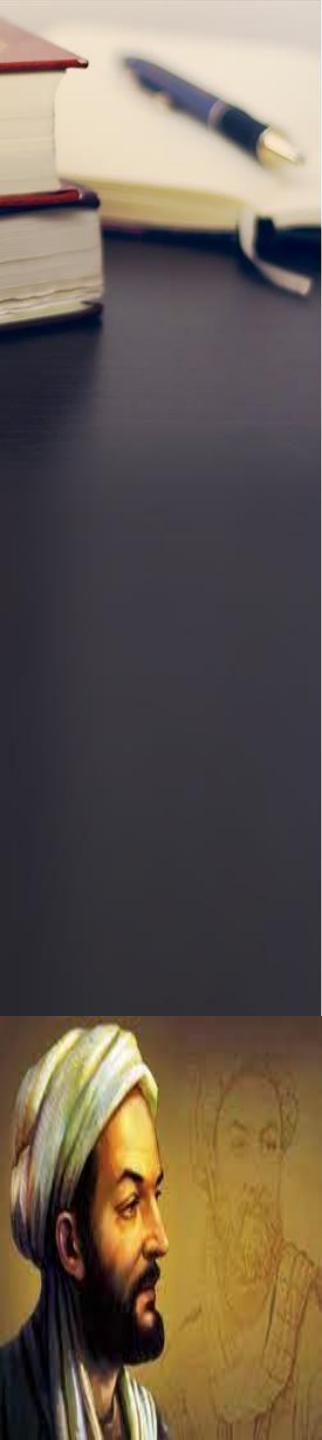
اللوح العاشر

أعضاء النفض

• سوس

ينفع حرقه البول، و  
ينفع من قروح  
الكلى و المثانه و

**جربها**



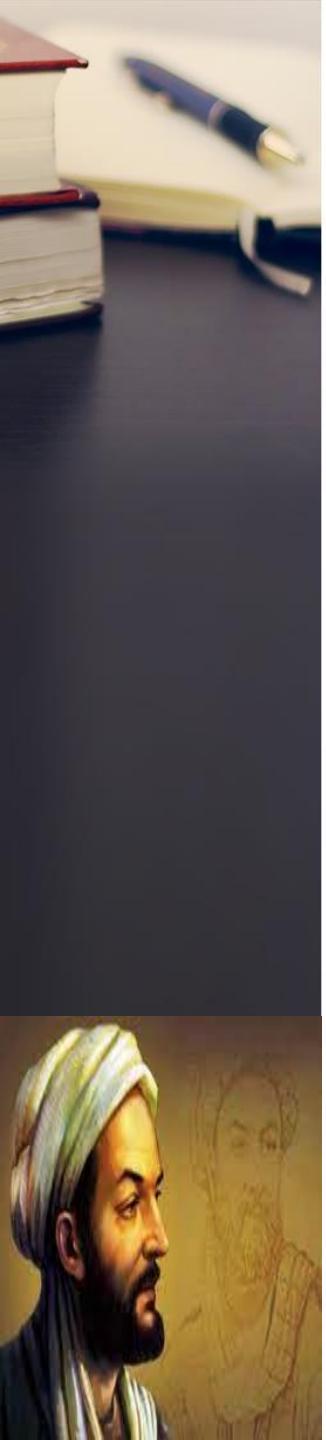
# جرب در کتاب چهارم قانون

## فصل في التجربة والحكمة

... العلاج أما علاج التجربة فأوله و أفضله و الذي كثيراً ما يكتفى به هو الإستفراغ بما يخرج الخلط الحاد المحترق و البلغم الماح، ثم إصلاح الغذاء و التدبير المرطب على ما علمت في أخوات هذا الباب، و استعمال الأشياء المائية التفهنة التي يؤمن سرعة تفعتها مثل: البطيغ الهندي و الهندياء و الخس و نحوها، من خارج أيضاً، و ... و من الاستفراغات الجيدة لأصناف مواد التجربة **طبيخ الأفتيون بالهليج الأصفر، و الشاه ترج و السنان و البسفاج، و الأفسنتين.** و قد يجعل فيه الورد و بذر الهندباء و نحوه، و قد يجعل فيه الماميران بخاصية فيه، و قد يجعل فيه السقمونيا و أيضاً فإن حب الصبر و السقمونيا جيد بالغ.

**طبيخ جيد:** يؤخذ من الهليج الأصفر و الزبيب من كل واحد عشرون درهماً، يطبخ بثلاثة أرطال من الماء حتى يبقى الثالث، و يصفى، و يؤخذ من جملة مائة ثلثا رطل، و يرص فيه من الخيار شنبر عشرة، فإذا مرس فيه صفي أيضاً، و جعل فيه درهم غاريقون





## جرب در كتاب پنجم قانون

صفة دواء أرسطراطس و هو ينفع من الجرب و الرمد العتيق

**أخلاطه:** يؤخذ نحاس محرق مثقالين، من مثقال، زاج محرق مثقال، فلفل ثلث مثقال، زعفران نصف مثقال، شراب تسع أواقي، عقید العنبر أربع أواقي و نصف، تسحق الأدوية اليابسة، و يرضّ عليها في السحق الشراب، فإذا جف القيء عليها عقید العنبر، و يسحق به و يصير في إناء، و يطبخ بنار لينة و يحفظ في إناء نحاس



# الفوّاق

دواء ينفع الفوّاق و هو قوي عجیب جداً.

أخلاطه: يؤخذ نبيذ طيب ريحاني ثانية أرطال، يطبخ ذلك حتى يغلي و يذهب السدس ثم ينزل عن النار، و يلقى فيه قسط و مصطك من كل واحد أربعة دراهم، أفسنتين وزن سبعة دراهم، أذخر و سنبل و ساذج و ورد و صبر و أغاريقون و زعفران من كل واحد درهمين، أسارون و عود هندي و سليخة من كل واحد أربعة دراهم، يسحق و الشربة ملعقة



# القسط

يادداشت های طبی ساهر:

من الزيت ثمانی عشرة أوقية، و من الشراب ثمانون رطلاً، و من العسل مائة و ثمانية  
أرطال

يادداشت های طبی یوحنا پسر سرافیون

عند الشعوب التي تتخاطب باللسان اليوناني معرف فاما الكيل فليس جميعهم متفقين  
عليه، و ذلك أن بعضهم يستعمل غير الذي استعمله صاحبه، و القسط عند الروم يسع  
رطلاً و نصفاً و سمساً فيكون عشرين أوقية، و القسط الأنطاليقي رطل و نصف

